

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ع. شفق
۳۱ جولای ۲۰۱۵

"راز بقا"ی داعش!

بیش از یک سال از عروج داعش و تحولاتی که با جنایات غیر قابل توصیف این نیروی مزدور و تبهکار علیه توده ها رقم خورده، می گذرد. در این شکی نیست که با ظهور داعش، منطقه خاور میانه به کانون تنش مضاعف و بحرانی خطرناک تبدیل شده که بیش از گذشته در آتش جنگ می سوزد. با این حال به رغم نفرت عمیق توده های تحت ستم و آگاه در سراسر جهان از داعش و خواست آنها مبنی بر نابودی این جریان ارتجاعی، به رغم ادعای یک بسیج جهانی توسط قدرت های اقتصادی-سیاسی امپریالیستی غرب و در رأس آنها امریکا علیه این جریان، به رغم تشکیل یک ائتلاف بی سابقه از قدرت نظامی ۶۰ کشور برای جنگ با داعش، هیچ نشانی مبنی بر اضمحلال و نابودی این جریان کوچک در آینده نزدیک و از آن کمتر تضعیف حضور و قدرت کنونی داعش به چشم نمی خورد. به عکس، شواهد موجود به طور روزمره از قدرت گیری داعش و "خلافت اسلامی" اش در عراق و سوریه خبر داده و هر از چند گاه نیز گزارشاتی مبنی بر "آتش بس" توسط سایر دار و دسته های موسوم به "بنیادگرایان اسلامی" در داخل سوریه و عراق و پاکستان و یمن و افغانستان با داعش منتشر شده و آنها نیز با حکومت اسلامی اعلام "بیعت" می کنند و نیروهای خود را در اختیار آن می گذارند.

در طول این مدت، حیات و معاش میلیون ها تن از توده های زحمتکش و ستمدیده منطقه، به ویژه در سوریه و عراق در کوره جنایات و فجایع آفریده شده توسط داعش و حامیان آن سوخته و سایه جنگ و ناامنی و مرگ، هر چه بیشتر بر سراسر منطقه سیطره افکنده است. در عین حال انتشار سیستماتیک اخبار و گزارشات جنایات جنون آسا و نفرت برانگیز این نیروی بنیادگرا و افراطی علیه مردم عادی مسلمان و غیر مسلمان، نمایش قطع سر و اعضای بدن قربانیان، به بردگی کشاندن زنان، اعدام های دسته جمعی تهوع آور و ... که توسط رسانه های امپریالیستی به اقصا نقاط جهان رله می شود، به طور انکار ناپذیری تاکنون به امر بزرگ نمائی چهره سیاه داعش به عنوان یک دشمن اهریمنی در افکار عمومی خدمت کرده است.

ولی فراتر از این فضای تبلیغاتی، می بینیم که "خلافت اسلامی" داعش که هم اکنون سرزمینی به وسعت نیمی از عراق و سوریه با تمام منابع انرژی و انسانی آن را در کنترل دارد، در محدوده زیر کنترلش در عراق و سوریه در حالی که میلیون ها تن از مردم مسلمان، خانه و کاشانه شان را بر جای گذاشته و از ترس سلاخی شدن به دست این نیرو گریخته اند، همچنان به رغم به اصطلاح مخالفت نیرو های ائتلاف پابرجاست. می بینیم که "خلافت اسلامی" داعش با بهره گیری از یک مکانیزم پیچیده و با وساطت سرمایه داران انگلیسی و اروپائی، قادر به فروش نفت -صد البته ارزان- به دولت های "اتحادیه اروپا" می شود؛ تسلیحات مکفی برای ادامه بقاء و تضمین یک جنگ طولانی به دست

می آورد؛ صفوف خود را به طور روزمره با نیرو گیری در زیر چشمان تیز دستگاه های اطلاعاتی و پولیس دولت ها و آموزش آنها در سطح بین المللی گسترش می دهد؛ با پرداخت مزدهای چشمگیر، مزدوران جدیدی شامل مسلمانان اتباع غرب و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که به داعش می پیوندند، به دست می آورد و در همین حال ظاهراً جنگ در چندین جبهه با ارتش های "۶۰ کشور" مؤتلف به رهبری امریکا را به خوبی مدیریت می نماید.

تجربه "جنگ طولانی" امریکا و شرکاء با داعش تاکنون نشان داده که این دار و دسته، پیش از هر هجوم وسیع برای به آتش کشیدن شهرها و روستاهای عراق و سوریه (نظیر تجمع اخیر برای تسخیر شهر رمادی عراق) درست در زیر چشم ماهواره های مدرن امریکائی-اروپائی به تجمع نیرو و ماشین آلات جنگی پرداخته و سپس به گونه ای برق آسا اهداف مورد نظر را مورد حمله قرار داده است؛ بدون آن که با هیچ مقاومت و یا عکس العمل جدی ارتش های تا بن دندان مسلح "ائتلاف ۶۰ کشور" روبه رو گردد. پس از این پیشروی ها در اکثر جاهائی هم که نیروی داعش در معرض حملات هوائی جنگنده های امریکا و شرکاء قرار گرفته، این حملات بنا به اعترافات خود نیروهای ضد داعش موفق نشده اند تا ضربات نابود کننده ای به این جریان وارد سازند. مشاهده چنین روندی حتی کاسه صبر حکومت دست نشاندۀ عراق را هم لبریز کرده است. تا جائی که دولت و پارلمان عراق اخیراً نسبت به "عدم قاطعیت" ائتلاف ضد داعش در برچیدن این جریان مخوف و آذوقه رسانی و کمک های تسلیحاتی "اشتباهی" هواپیماهای امریکائی-انگلیسی در جبهه های جنگ به نیروهای محاصره شده داعش در خاک عراق به مراجع بین المللی رسماً شکایت کرده اند. (نگاه کنید به "رسوائی افشای تسلیح سیستماتیک داعش توسط ارتش امریکا" مندرج در پیام فدائی شماره ۱۸۷، دی ماه ۱۳۹۳)

مشاهده این اوضاع به طور طبیعی به سؤالی دامن می زند که از اولین روز عروج این نیروی تبهکار و پیشروی های برق آسای آن در تسخیر موصل و تبدیل آن به یک قدرت مخوف ذهن انسان های آگاه در سراسر جهان را به خود مشغول ساخته است. و آن این که به راستی راز بقای داعش در چیست؟ چرا داعش به رغم قدرت محدودی که از چند هزار تا حداکثر سی هزار مزدور تخمین زده می شود، در مقایسه با قدرت نابود کننده بزرگترین ارتش های امپریالیستی در جریان یک سال جنگ بی وقفه نه تنها از بین نرفته بلکه حتی تضعیف هم نگشته است. به ویژه این که تمامی اسناد و مدارک تا کنونی و از جمله جنایات و قتل های عام انجام شده توسط این نیرو نشان داده اند که داعش فاقد هر گونه پایگاه توده ئی در میان میلیون ها تن از مردم منطقه است. بی دلیل نیست که هر جا هم که قدرت این جریان ضد مردمی و مزدور به واقع زیر سؤال رفته و ضربات مرگبار دریافت کرده، این ضربات عمدتاً از سوی مردم آزاده منطقه برای مثال در کوبانی اتفاق افتاده است.

این مثال ها و بسیاری دیگر از شواهد مستقل و غیر قابل انکار که هر روز با انبوهی از مدارک و اسناد جدید مورد تأیید قرار می گیرند، نشان می دهند که داعش نه یک جریان مستقل و قائم به ذات بلکه نیروئی ضد مردمی و مزدور است که تا کنون اساساً با برخورداری از حمایت های مستقیم و غیر مستقیم یک قدرت بزرگ تر (امپریالیسم امریکا) که برایش حاشیه امن و فضاء ایجاد می کند امکان حیات، بقاء و رشد یافته است. نیروئی که با استفاده از این امکانات قرار است تا مدت های مدید در شطرنج سیاسی جهان توسط بازیگران عمده به عنوان یک عامل به کار گرفته شده و حضور داشته باشد. به واقع جنگ امریکا و متحدینش با دار و دسته تروریستی داعش نه برای "نابودی" آن بلکه درست مطابق بر همان نقشه ای پیش می رود که مقامات امریکائی از ابتدای عروج داعش به اصطلاح پیش بینی کرده بودند. "پیش بینی" ای که کاملاً در انطباق با اظهارات اسلاف اوباما در هیأت حاکمه امریکا یعنی بوش قرار داشت که سال ها قبل، از ستراتیژی "جنگ بی پایان" امریکا با "تروریسم" سخن گفت و مطابق آن ستراتیژی، بسیاری از مناطق جهان را به ورطه آتش و ناامنی کشاند. همانطور که می دانیم برخی از مقامات دولت امریکا از جنگ "طولانی" با داعش، یعنی

جنگی به مدت حتی ۳۰ سال سخن گفته اند که این در واقع بخشی از همان نقشه جنگی "بی پایان" طراحی شده توسط همکاران اوپاما در دولت های سابق امریکا می باشد.

در همین رابطه اخیراً در نتیجه رشد تضادهای درونی و فشار برخی سازمان های حقوق مدنی در امریکا به حکم یک دادگاه این کشور، سندی از پنتاگون انتشار یافته که مربوط به سال ۲۰۱۲ (پیش از عروج داعش) می باشد. این سند ۷ صفحه ای که علی رغم انتشار، بخش های زیادی از آن سانسور شده نشان می دهد که پنتاگون در سال ۲۰۱۲ یعنی چند سال قبل از رشد سرطانی داعش، با ارزیابی اوضاع سوریه از "امکان برپایی یک حکومت خلافت اسلامی متحد القاعده در شرق سوریه" سخن گفته و از آن به مثابه یک "فرصت ستراتیژیک" در راستای "دستیابی به اهداف ایالات متحده در منطقه" نام می برد. مطابق سند منتشر شده، "خلافت اسلامی دقیقاً همان چیزی است که حامیان اپوزیسیون سوریه" یعنی ایالات متحده و متحدانش خواهان آن بوده اند و داعش نتیجه مستقیم "ستراتیژی امریکا" در منطقه می باشد. (رجوع شود به نشریه المانی دنیای جوان (Junge Welt) مورخ ۲۶ ماه می ۲۰۱۵ در لینک زیر

<http://www.jungewelt.de/2015/05-26/032.php>

این سند نشان می دهد که چگونه امپریالیسم امریکا از چند سال قبل برای پیشبرد سیاست های ستراتیژیک خود در منطقه از تبدیل داعش از یک دار و دسته کوچک ارتجاعی به وضعیت کنونی، سودای ایجاد "خلافت اسلامی" در سوریه را در سر داشته است. در نتیجه، امپریالیسم امریکا مطابق یک نقشه معین و هدفمند، با پروراندن داعش، با تسلیح و تغذیه و نیرو رساندن به آن از کانال های مختلف به رشد این نیروی ضد خلقی کمک نموده و آن را به موقعیتی سوق داده که سرانجام "حکومت اسلامی" مورد نظرش برقرار شده و این بخش از "اهداف" امپریالیسم امریکا و متحدینش متحقق گشته است.

نگاهی به این سند در کنار تمامی شواهد و مدارک دیگر مبین آن می باشد که پروسه حیات داعش از هنگام به وجود آمدن (به عنوان ظاهراً انشعابی از دار و دسته سیا ساخته القاعده) تا مقطع تبدیل به موقعیت کنونی، یک پروسه هدفمند و کنترل شده بوده است. داعش نه یک نیروی خلق الساعة آسمانی بلکه ابزاری برای پیشبرد سیاست های معین توسط قدرت های امپریالیستی به ویژه امریکا است که هر بار با تاخت و تازها و جنایات سهمگین این نیرو سیاست های ستراتیژیک خود را به پیش می برند و درست به همین دلیل منافع آنها نه در نابودی این نیروی ارتجاعی و اهریمنی بلکه به عکس در حفظ آن می باشد. سند منتشر شده از اسناد پنتاگون به طور خلاصه صحت این واقعیت که داعش بخشی از "ستراتیژی" امریکا در منطقه خاورمیانه می باشد را مورد تأکید قرار می دهد. آن هم در شرایطی که این قدرت جهانی بیش از هر زمان دیگری برای تخفیف بحران های اقتصادی و حفظ موقعیت خویش، نیازمند بحران سازی و جنگ در عرصه بین المللی است. ضرورت برآوردن این سیاست ها و منافع طبقاتی حاصل از آن است که امکان موجودیت، بقاء و تسلیح داعش و رشد و گسترش آن در شرایط کنونی را موجب می گردد و این دار و دسته تبهار و وابسته را به جان مردم منطقه می اندازد.

در چنین اوضاع و احوالی، کنکاش در نقش داعش و نتایج عملکردهای جنایتکارانه آن روشنگر حقایق بسیاری است. اگر روندهای عینی را بررسی کنیم و نقشی که داعش و عملکردهای ضد خلقی آن برای تسهیل اجرای سیاست های امپریالیستی بازی می کند را درک کنیم خواهیم دید که چگونه این نیروی دست ساز و وابسته از زمان پیدایش خود دقیقاً در جهت تحقق ستراتیژی امریکا در سطح منطقه و جهان حرکت کرده است.

بررسی روند های عینی و مطالعه سیاست های اعلام شده امریکا به ویژه پس از انتشار سند "ستراتیژی امنیت ملی امریکا برای قرن ۲۱" (منتشر شده در سال ۲۰۰۱) نشان می دهد که طبقه حاکمه در امریکا به دنبال پایان "جنگ سرد" و فروپاشی شوروی سابق در پی ایجاد یک "نظم نوین جهانی" با هدف تأمین هژمونی خود بر سایر قدرت های

امپریالیستی به عنوان "رهبر جهان" بوده و می باشد. این ستراتیژی، سیاست اعلام شده دولت امریکا چه در زمان حکومت جمهوری خواهان و چه دمکرات ها بوده است. برای تحقق گام به گام این هدف، در دهه های اخیر دولت امریکا در یک مسیر تمایل فزاینده به جنگ و گستردن فضای میلیتاریستی در سراسر جهان حرکت کرده است. در این مسیر امریکا با تلاش برای استفاده از به قول خویش، قدرت نظامی "بی همتا"یش کوشیده تا با جنگ اندازی به حوزه نفوذ و بازارهای سایر رقباء (به ویژه روسیه، چین و اتحادیه اروپا) به تقویت مواضع و تحکیم سلطه خویش بر بازارها و مناطق ستراتیژیک جهان بپردازد و موقعیت اقتصادی-سیاسی خود را تحکیم نماید. سیاستی که لشکر کشی های وحشیانه نظامی و چند جنگ خونین منتهی به اشغال افغانستان و عراق و فروپاشاندن لیبیا و امروز سوریه، نمونه های بارزی از آن را به نمایش گذارده اند.

همچنین در طول این مدت، تداوم و تعمیق بحران های اقتصادی گریبانگیر کل نظام سرمایه داری در سطح جهان و نیاز به جنگ برای تخفیف این بحران ها و انتقال بار آنها به خارج به سیاست های جنگ طلبانه دولت امریکا شدت و گستردگی بیشتری بخشیده است. در واقع در طول سال های اخیر جهان تحت سلطه امپریالیسم کمتر اینچنین در معرض تشدید تنش های بین سرمایه های امپریالیستی، تضاد بین قدرت های اعظم جهانی، جنگ و ناامنی، مسابقه تسلیحاتی و خطر ترکیب از تراکم انبار باروت قرار داشته است. عروج داعش به عنوان تازه ترین پرده بنیادگرایی اسلامی تحرک بی سابقه ای به سیاست "جنگ بی پایان" امریکا داده و در چنین متنی قابل فهم است.

نتایج نقش آفرینی ها و جنایات داعش در سوریه برای تمامی اذهان حقیقت جوی دنیا آشکار است. داعش نه تنها در یک پروسه جنبش انقلابی خلق های تحت ستم منطقه و از جمله مردم سوریه علیه رژیم وابسته اسد و اربابانش را از صحنه خارج کرد، بلکه اکنون به موازات تعقیب همان هدف ضد انقلابی به طور انکارناپذیری در یک جنگ نیابتی به عنوان ابزار امریکا علیه منافع رقبای جهانی و به طور مشخص دولت روسیه در منطقه به کار گرفته شده است. سودمند بودن داعش و انعطاف این نیروی دست ساز تا حدی است که اخیراً به گزارش خبرگزاری مصری "یوم السابع" و "نیویورک تایمز" امریکا، داعش شماری از نیروهای خود را برای جنگ علیه نیروهای وفادار به روسیه به اوکراین فرستاده است. این ارسال نیرو علیه رقبای امریکا در حالی است که داعش در مقابل سوالات مکرر، اعلام کرده است که جنگ با اسرائیل در اولویت آن نیست!

از سوی دیگر تحرکات جنایتکارانه داعش دستاویزی کاملاً عامه پسند برای حفظ و تداوم گسترش حضور مستقیم ماشین جنگی امریکا در منطقه بوده و از آن فراتر توجیه سیل صدور سلاح به یک بازار مطمئن با مشتریانی شامل ثروتمندترین دولت های نفتی در کل منطقه را در اختیار امریکا گذارده است.

بدون شک ستراتیژی توسعه طلبانه و تهاجمی امریکا در خارج از مرزها نمی تواند با مخالفت به حق افکار عمومی مردم آزادیخواه در غرب روبه رو نشود. در همین رابطه حضور داعش و سایه گسترش صفوف آن در جوامع غربی همراه با فضاء پیدا کردن توسط خود دستگاه های ارتباط جمعی که سایه ترس و ناامنی را بر سر مردم اروپا و امریکا پهن کرده، به هجوم بی سابقه طبقات حاکم به حقوق و آزادی های مدنی در این جوامع منتهی شده است. زیر نام مبارزه با "گسترش تروریسم اسلامی" و "ایدئولوژی های افراطی"، دولت های غربی برای تصویب روزمره قوانین سرکوبگرانه علیه طبقه کارگر و مردم خویش صف کشیده اند. در حالی که در این کشورها کمونیست ها در همه جا آماج ضرب دستگاه سرکوب حاکم هستند، نیروهای داعش در زیر چشمان پولیس کشورهای غربی اعلامیه های خود را پخش می کنند و تظاهرات و تجمع بر پا می کنند (نمونه های انگلستان و آلمان). همچنین لو لو خرخره داعش به رشد بی سابقه سیاست های فاشیستی و نژاد پرستانه و ضد مهاجر و ضد مسلمان در این کشورها منجر شده است.

آیا برای هر ذهن حقیقت جو و مسؤلی سخت خواهد بود که با توجه به این واقعیات و اسناد و شواهد بی شماری که تاکنون انتشار یافته رابطه بین عملکردهای مخوف داعش با منافع نظام سرمایه داری و قدرت های امپریالیستی را درک نماید؟ واقعیت این است که در پشت هر یک از ادعاها و تبلیغات افراد و نیروهای اجتماعی منافع مشخص طبقاتی خوابیده است. تنها تبیهکاران و نادانان چنین حقیقتی را منکر می شوند. داعش خلاف تمام تبلیغاتی که می کوشند آن را یک نیروی مافوق طبقات و آسمانی جلوه دهند، شکلی از انواع متنوع پدیده "بنیاد گرایی اسلامی" است و بررسی تاریخ و عملکرد بنیاد گرایی اسلامی از دهه های ۷۰ به بعد نشان می دهد که در همه جا بند ناف این جریان ارتجاعی با امپریالیسم گره خورده است.

امروز نیز همین بنیاد گرایی اسلامی است که با تازه ترین مخلوق جنایتکارش یعنی داعش تماماً در جهت منافع امپریالیسم به ضد طبقه کارگر و توده های محروم قرار گرفته است. اگر به اوضاع جاری نظام بحران زده سرمایه داری دقت کنیم، خواهیم دید که با توجه به ستراتیژی امپریالیسم امریکا در این بحران، داعش یک پروژه ضد انقلابی و بخشی از ماشین جنگی ارتش امریکاست. این نیرو از دل جریان سیا ساخته القاعده برآمده، توسط امریکا به آن پر و بال داده شده، با پول قطر و عربستان تقویت و تسلیح شده، توسط سازمان های اطلاعاتی اسرائیلی و امریکا در خاک اردن و ترکیه و ... آموزش داده شده از امکانات ترابری و درمانی و لجستیک دولت ترکیه برخوردار بوده و در کل در پناه یک شبکه حفاظتی شامل دستگاه های اطلاعاتی امریکا و رژیم های متحد و دست نشاندۀ این قدرت بزرگ رشد یافته به جان مردم منطقه انداخته شده است. نیروئی اهریمنی که برای گسترش سلطۀ امپریالیستی و در رأس آن امریکا، برای تشدید تعرض سرمایه داران به طبقه کارگر و خلق های تحت ستم همچون یک سگ زنجیری هار در میدان رها شده است.

به طور کلی، راز بقای داعش در این واقعیت نهفته است: نیاز ستراتیژی توسعه طلبانه امپریالیسم و در رأس آن امریکا در شرایط فعلی! تا زمانی که حضور داعش و جنایات و اعمال آن به حال ستراتیژی و منافع امپریالیسم مفید باشد، ما شاهد تداوم و بقاء و حتی رشد و گسترش آن خواهیم بود. اما به محض آن که به هر دلیلی از جمله به دلیل رشد مبارزه طبقاتی توده ها و یا تغییر ستراتیژی امپریالیسم ضرورت وجودی داعش از بین برود، این نیروی "آسمانی" مخوف و تبیهکار و بی نظیر در وحشی گری و جنایت پیشگی همچون دانه های برف در مقابل آفتاب آب خواهد شد و سرنوشت "برادرانش" یعنی سایر دار و دسته های مزدوری را خواهد یافت که تاریخ مصرفشان از سوی ارباب منقضی اعلام شده است.